

سید حسین ذاکرزاده

حضور قلب خریداریه!

زدی مهم رو جابه‌جا کردی. حالا چه جوری سجده برم؟! «ایاک...» قیافه رو ببین، آخه آدم با این قیافه میاد حضور حضرت؟! ایاک... مردم انگار اومدن پیک‌نیک، خدا عاقبت ما رو ختم به خیر کنه با این قیافه‌هایی که می‌بینیم! ایاک... آخ چقدر صدا می‌کنی؟ دوباره یادم رفت خاموش کنم. ایاک... تو را به خدا قطع کن پاک آبروم رفت با این آهنگی که گذاشتم روش. ایاک... می‌بینی همه دارن چپ‌چپ نگاه می‌کنن. ایاک... نکنه خانومم باشه که ول کن نیست. ایاک... حتماً الان داره ناله و نفرین می‌کنه و می‌گه: مرد، ایشالله اون نماز به کمربت بزنه، گوشیتو بردار». ایاک... حتماً اتفاقی براشون افتاده، نکنه ماشین رو بردن، شایدم سمیرا گم شده، چقدر گفتم خانوم حواست به این بچه باشه! ایاک... با اون قیافه‌ایی که این زن برا بچه درست می‌کنه نذرندش خوبه. ایاک... حالا چیکار کنم، نماز مستحبی رو می‌شه شکست؟ ایاک... ای خفه‌شی ایشالله، فایده نداره باید جواب بدم. «الوو... ها چی شده خانوم ماشین رو بردن، سمیرا گم شده؟ بله! کدوم ماشین آقا جان؟ نه فروشی نیست! یعنی چی آقا، مگه هر کی شماره موبایل برزازه روی ماشین می‌خواد بفروشتش؟! خب گذاشتم که اگه مزاحم کسی بود بهم زنگ بزنه پیام ورش دارم! خواهش می‌کنم، خدایبخشه، خداحافظ شما» دیدی چطور شد، حضور قلب آدم رو به هم می‌زنن. بلند شم تا حضور قلبمو از دست ندام دوباره شروع کنم. «الله اکبر...»

* در نماز امام زمن (یعنی این آیه را صد بار تکرار می‌کنیم)

میاد که حاجت مردم رو می‌ده. ایاک... ای بابا، انگار قرار بود حضور قلب داشته باشم. ایاک... آخه با این همه سؤال چطوری می‌تونم حضور قلب داشته باشم؟ ایاک... آه... چقدر این یارو جلویی بلند دعا می‌خونه، نمی‌زازه آدم بفهمه چی می‌گه! ایاک... یعنی خودشم می‌فهمه چی می‌خونه یا مثل من عادت کرده که دعا بخونه؟! ایاک... حتماً این‌جا خبرایی که این همه آدم، از همه جای ایران تو این وانفسای سهمیه‌بندی بنزین بلند شدن اومدن. ایاک... راستی ماشینم رو درست قفل کردم، نکنه قفل فرمون نزده باشم ماشین رو ببرن! ایاک... نه بابا مگه این‌جا کسی جرئت می‌کنه دزدی کنه؟! ایاک... توی خونه خدا، جلوی حجرالاسود هم جیب مردم رو می‌زنن چه برسه به این‌جا. ایاک... یعنی همه اونایی هم که می‌زن حج می‌فهمن برای چی می‌زن و چکار می‌کنن؟! ایاک... راستی یادم باشه برا خودم دعا کنم تا به سفر عمره نصیبم بشه. ایاک... خدا بگم چیکارشون کنه اونایی که چند تا چندتا عمره و حج می‌زن و حق دیگران را ضایع می‌کنن. ایاک... یکیشون همین همسایه بغلی ما، اصلاً نمی‌دونم از کجا می‌یاره این قدر سفر حج و عمره و کربلا و سوریه می‌ره. ایاک... والله ما تا قم می‌خوایم بیایم کلی برنامه می‌ریزیم. ایاک... استغفرالله دوباره رفتی تو غیبت. ایاک... حضور قلب... ایاک... راستی چندمین ایاک نعید هستم؟! ایاک... آخ دیدی داشت حساسش از دستم در می‌رفت. ایاک... ای بابا حواست رو جمع کن، یا پات

این دفعه باید سعی کنم حضور قلب داشته باشم. به قول اون طرف باید عوامل حواس‌پرتی‌رو از خودم دور کنم. بهتره به معنی چیزایی که می‌گم فکر کنم. باید حواسم باشه با کی دارم حرف می‌زنم، «اعوذ بالله» هم یادم نره. باید...

الله اکبر، بسم الله الرحمن الرحیم، الحمدالله رب العالمین، الرحمن الرحیم، مالک یوم الدین، ایاک نعید و ایاک نستعین... یعنی فقط تو را می‌پرستم و از تو کمک می‌گیرم، «ایاک نعید و ایاک نستعین» مگه می‌شه آدم کس دیگه‌ای رو بپرسته.

ایاک... آره مگه تشنیدی می‌گن شرک خفی نداشته باشید.

ایاک... مگه می‌شه آدم از دیگران کمک نگیره؟! ایاک... یعنی وقتی چهار میلیون چکم داره برگشت می‌خوره به جای این که برم سراغ داداش و بابا و رفیق، هی بشینم بگم خدا چهار میلیون برسون؟! ایاک... یکی نیست به این سوالاتی آدم جواب بده، تا حرفم بزنی می‌گن طرف دین نداره، توکل نداره. ایاک...

آخه به خدایی که همه چیز رو می‌بینه من پیام چی بگم؟! ایاک... تازه هر وقت دعا می‌کنم زود جوابمو نمی‌ده. ایاک... نمی‌دونم شاید به قول اقام صلاحم نیست. ایاک... این‌جا هم اومدن برامون مثل یه عادت شده. ایاک... یه موقع‌هایی فکر می‌کنم نکنه همش فیلم باشه! ایاک... پس این همه کرامت و معجزه الکیه؟ ایاک... کاش می‌شد فهمید آقا از کارای ما راضیه یا نه. ایاک... اصلاً این‌جا میاد، مارو می‌بینه؟! حتماً این‌جا

